

بررسی مبانی تفسیری علمای سلفی قرن ۱۲ با تاکید بر آراء محمدعلی شوکانی

رقیه عبدی^۱

اکرم اقدسی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰، صفحه ۷۷ تا ۹۵ (مقاله پژوهشی)

چکیده

در قرن ۱۲ با ظهور افرادی شاهد احیای اندیشه‌های ابن تیمیه و جریان سلفیت افراطی هستیم. انکار مجاز در قرآن، ظاهرگرایی افراطی و استفاده بی‌رویه از احادیث، رویگردانی از بکارگیری قواعد عقلی و فلسفی در قرآن از شاخصه‌های منهج تفسیری سلفیه تکفیری است. بررسی اندیشه‌های شوکانی عالم برجسته زیدی یمنی، ضمن تایید گرایشهای سلفی و التزامش به ظواهر ادله نقلی، نشان از تمایل به تبیین عقلانیت دینی مطابق اصولی که با سنت مخالف نباشد، دارد و به تعبیر بهتر بیانگر رویکرد ضد تکفیری و وحدت‌گرایانه وی علی‌رغم تاثیر پذیری‌اش از تفکرات بنیانگذار سلفیت نوین -ابن تیمیه- است. برآیند واکاوی اندیشه‌های شوکانی در حوزه مبانی تفسیری که به شیوه توصیفی تحلیلی و در پاسخ به سوال از نسبت سنجی میان آراء وی با اندیشه‌های سلفیت تکفیری صورت گرفته است، بیانگر رویگردانی وی از ظاهرگرایی افراطی و پذیرش تاویل معقول بوده که بدین ترتیب با اندیشه‌های ابن تیمیه و سلفیت افراطی فاصله گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: وهابیت، سلفی، فتح‌القدیر، شوکانی، تاویل، ظاهرگرایی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

abdi.roghaye2@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد ملارد، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران: a.aqdasi@yahoo.com

۱- درآمد

امروزه سلفی‌گری یکی از جریان‌های فعال در جهان اسلام است و به دلیل وجود تضادها و تفاوت‌های درون خود به گرایش‌های متعددی همچون سلفیه تبلیغی، سلفیه سیاسی، سلفیه جهادی و سلفیه تکفیری منشعب شده است. البته به لحاظ حوزه‌های جغرافیایی نیز تقسیم‌بندی‌هایی صورت گرفته است مثل سلفیه تکفیری وهابی عربستان، سلفیه اعتدالی و افراطی دیوبندی شبه‌قاره هند، سلفیه اعتدالی زیدیه یمن، سلفیه تقریبی اخوان المسلمین مصر. از منظر زیست اجتماعی هریک از این نحله‌ها در جامعه اسلامی منشاء آثار مختلفی بوده اند آنچه که منجر به بغرنج شدن وضعیت جهان اسلام شده است، تعاملات جریان‌های تکفیری است که از دل سلفیت بیرون آمده‌اند. جریان‌هایی که بیشترین انرژی جامعه اسلامی را به جای تمرکز بر روی توسعه و پیشرفت، به ویرانی و کشتار در این جوامع معطوف نموده است. واقعیت آن است که اگر چه این جریان‌های تکفیری از درون سلفیت بیرون آمده‌اند و عبارات سلفی‌ها نیز موهوم تکفیر ساین است، اما بررسی و مطالعه منابع و آثار بزرگان سلفی نشان از وجود قرآنی دارد که میل به اعتدال داشته و به دنبال گسترش روح تعامل، مدارا و تساهل و همزیستی بیشتر میان آحاد جامعه است.

۲- بیان مساله

از نظر معنای لغوی، سلفی از سلف به معنای پیشین است. به گفته ابن فارس «سلف اصلی است که بر تقدم و سبقت دلالت دارد. پس سلف کسانی هستند که در گذشته بوده‌اند» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ماده سلف). ابن منظور می‌گوید «سلف یعنی پیشی گرفت و سالف یعنی پیشی گیرنده، سلف، سلیف و سلفه یعنی جماعت پیشی گیرنده». جوهری نیز می‌نویسد «سلف، یسلف، سلفا به معنای «مضی» یعنی «گذشت» آمده است. و سلف الرجل یعنی پدران گذشته مرد» و فراء گفته است «فجعلناهم سلفا» یعنی آنها را گذشتگانی قرار دادیم که دیگران از آنها پند گیرند. ابن اثیر هم می‌گوید «سلف انسان» به کسانی از اقرباء و نزدیکان که مرده‌اند، گفته می‌شود لذا به صدر اول از تابعین سلف صالح گفته می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۵۸/۹)

درخصوص معنای اصطلاحی سلفیه گفته شده است که اصطلاح سلفیه در آثار محققان مسلمان در دو مفهوم به کار رفته است. معنا و مفهوم اول: در مورد کسانی است که در اعتقادات و احکام فقهی ادعای اقتدا به سلف صالح را دارند. معنای دوم که کاربرد آن به دوره بیداری مسلمانان در عصر حاضر بر می‌گردد، به کسانی گفته می‌شود که ادعای بازگشت به اندیشه‌های ناب و اولیه اسلامی را به منظور مبارزه با استعمار داشته‌اند، افرادی همچون محمد عبده و مانند او. (اله بداشتی، ۱۳۸۸،

سلفی‌ها در این معنا متفق هستند که «سلفیه» به معنای پیروی از سلف است. اما در مصادیق سلف صالح اختلاف نظر وجود دارد. سلفی‌ها برای تعریف اصطلاحی سلفیه از معنای لغوی آن استفاده می‌کنند و سلفیه را پیروی از گذشتگان و پیروی کنندگان از روش صحابه و تابعین و تابعین تابعین و یا پیروان علمای خاص معرفی کرده‌اند. البته در این تعیین مصادیق اختلاف نظرهایی نیز با یکدیگر داشته‌اند. برخی سلف را مختص به صحابه می‌دانند و عده‌ای به صحابه و تابعین اطلاق می‌کنند. و برخی صحابه و تابعین و تابعین تابعین در سه قرن نخست اسلام را سلف می‌دانند. آنها این سه نسل را به دلیل نزدیکی زمانی و مکانی و در نتیجه تلقی بهتر وحی، بهترین مردم می‌دانند. (صابری، ۱۳۸۷، ش، ۸)

برخی هم گستره سلف را توسعه داده و ائمه مذاهب چهارگانه را نیز به عنوان سلف معرفی می‌کنند. مثلاً دکتر مصطفی حلمی، از محققان سلفی در مصر، «سلفیه» به معنای عام را اسم علم برای کسانی که در اعتقادات و فقه از سلف صالح و تابعین در سه قرن نخستین اسلام و پیشوایان امت بعد از آنها، مثل ائمه چهارگانه اهل سنت و سفیان ثوری، بخاری و مسلم و سایر اصحاب سنن و همچنین علمایی که ملزم به روش مسلمانان اولیه هستند _ گرچه فاصله زمانی با آنها دارند و با مشکلات و مسائل جدید روبه‌رو هستند _ مثل ابن تیمیه و ابن قیم جوزی و محمد بن عبدالوهاب و معاصران دیگر که در عربستان، هند، مصر، شمال آفریقا و سوریه‌اند، پیروی می‌کنند، می‌داند. او در ادامه «سلفیه» در معنای خاص را اقتدا به رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌داند. به این معنا که سیره نبوی در جغرافیای فکری و زندگی روزانه سلفیان حضور فعال دارد و آنان شریعت اسلامی را بر طبق سنت نبوی تنظیم می‌کنند. (حلمی، ۱۹۷۱، م، ۱۷۸)

با بررسی تعاریف گذشته و مقایسه بین دیدگاه‌های محققان سلفی می‌توان گفت سلفی‌ها خود را پیرو رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)، اصحاب آن حضرت، تابعین، تابعین تابعین و علمای اهل حدیث به ویژه احمد بن حنبل و ابن تیمیه، ابن قیم و محمد بن عبدالوهاب می‌دانند. (اله بداشتی، ۱۳۸۸، ۱۸)

با بررسی تعاریف گذشته و مقایسه بین دیدگاه‌های محققان سلفی می‌توان گفت سلفی‌ها خود را پیرو رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)، اصحاب آن حضرت، تابعین، تابعین تابعین و علمای اهل حدیث به ویژه احمد بن حنبل و ابن تیمیه، ابن قیم و محمد بن عبدالوهاب می‌دانند. محمد بن علی شوکانی به مانند اکثر اهالی یمن زیدی مذهب بود (شوکانی، ۱۴۱۴، ۷/۱) اما در ادامه به شدت به اهل سنت نزدیک شد و گرایش به اهل حدیث پیدا کرد. آنچه از تصریح کلام شوکانی

برمی آید این است که شوکانی اندیشمندی اثر گرا بوده و آثار وی جملگی مبتنی بر منابع روایی و مآثور هست. (شوکانی، ۱۴۱۴، ۱/ ۱۴-۱۵)

در این مقاله تلاش شده است مبانی تفسیری و چگونگی رویکرد محمدبن علی شوکانی عالم سلفی زیدی یمنی، در تفسیر و شکل گیری روشها و احیاناً گرایشها و اصول و قواعد تفسیری وی به شیوه توصیف و بررسی آراء از خلال آثار مکتوب و موجودشان مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد تا ضمن تبیین دیدگاه های وحدت گرایانه وی، نسبت سنجی نیز میان تفکراتش با جریان تکفیری به عمل آید.

اگرچه ادعای سلفی بودن شوکانی به لحاظ اعتقاد به ضرورت احیای اندیشه سلف صالح، اثرگرایی و ابتنای آراءش بر منابع روایی کاملاً مورد تایید است و انتقادات بسیار تندی هم به شیعه داشته است، اما تکفیری قلمداد کردن او چندان نمی تواند مطابق واقع باشد.

۳- چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش نظریه احیاء و اصلاح فکر دینی در جهان اهل سنت می باشد. شیوه اندیشمندان اهل سنت در جهت احیای اندیشه دینی برای برطرف نمودن تعارضات میان سنت و پیشرفت های جوامع از طریق تاویل نصوص و ارائه قرائت های متناسب با نصوص قرآن و حدیث با هدف بازگشت به دین و احیای مظاهر و شعائر دین و شریعت با تاکید بر روش کلامی سلفیه در این مقاله مورد نظر است. روش کلامی سلفی بر التزام به ظواهر ادله و عدم عدول از آنها استوار است.

۴- روش پژوهش

این مقاله با روش کیفی و با رویکرد تحلیل محتوا و با تکیه بر بررسی اسنادی تلاش نموده است تا ضمن ارائه زندگی نامه محمد بن علی شوکانی و اثرپذیری وی از فضای فکری و فرهنگی عصر خویش و تالیفاتش، نمونه هایی از آراء و اندیشه های او را در خصوص مبانی تفسیر قرآن کریم مورد بررسی قرار دهیم.

۵- اوضاع سیاسی و فرهنگی جهان اسلام در قرن دوازدهم و سیزدهم هجری و تاثیر آن بر

اندیشه شوکانی

بخش اعظم جهان اسلام در قرن دوازده و سیزده هجری، تحت سلطه امپراتوری عثمانی قرار داشت. مجموعه ای از عوامل خارجی و داخلی باعث شد دولت عثمانی رو به انحطاط رفته و بسیاری از سرزمین های تحت حاکمیتش یکی پس از دیگری از سلطه اش خارج شد.

در نیمه قرن دوازدهم هجری زمانی که اروپا به پیشرفت در همه زمینه ها نایل شده بود، دولت عثمانی به اوج فساد خود رسیده بود طوری که بسیاری از متفکرین عثمانی قائل به ضرورت استفاده

از پیشرفت و ترقی اروپاییان برای ضمانت محافظت از وحدت و یکپارچگی و دوام دولت عثمانی شده بود و این آغازی برای حرکت اصلاحی ملهم از غرب بود. این حرکت اصلاحی با رویکرد غربی در عصر احمد سوم آغاز شد و با این حرکت اصلاحی نفوذ فرهنگی غرب در دولت عثمانی شکل گرفت. و دولتهای اروپایی در سرزمین‌های اسلامی زمینه‌های فرهنگی بسیاری را برای روابط سیاسی خود با دولت‌ها پیدا کردند. (در نیکه، ۱۹۸۶م، ۱۵)

حال و روز یمن زادگاه شوکانی که جزئی از سرزمین بزرگ اسلامی محسوب می‌شود، بهتر از سایر بلاد در این عصر نبود که به مدت دو قرن از سال ۱۰۴۵ ه.ق از دولت عثمانی جدا شده و اعلام استقلال نموده بود. (العمری، ۱۴۰۵ه، ۱۲) اما در شمال جزیره العرب و حجاز حرکت محمدبن عبدالوهاب که برای انتشار عقیده توحید و متحد نمودن قبایل مختلف آغاز شده بود و دولت سعودی براساس تعالیم محمدبن عبدالوهاب تاسیس و قدرت گرفته بود و برای تصاحب سرزمین‌های شبه جزیره و اطرافش با دولت عثمانی درگیری‌های فراوانی داشت این درگیری‌ها تلاطم‌هایی را در شبه جزیره ایجاد نموده و اوضاع سیاسی اجتماعی این منطقه را مختل نموده بود. شوکانی در این دوران در یمن زندگی می‌کرد. وضعیت فرهنگی و مذهبی یمن به دلیل شرایط و اتفاقات اخیر بسیار نابسامان بود. (عثیمین، ۱۴۱۱ه، ۶۳-۶۷) مذاهب و فرق مختلفی همچون زیدیه، شیعه، متصوفه و وهابیت همزمان مشغول فعالیت بوده و تنش‌های زیادی با هم پیدا کرده بودند.

۶- زندگی نامه محمد بن علی شوکانی

شوکانی زندگی نامه‌ای خود نوشت دارد. داستان زندگی خود را اینگونه بیان می‌دارد که « در روز دوشنبه ۲۸ ذی القعدة سال ۱۱۷۳ ه.ق محمد بن علی بن محمد شوکانی در قریه شوکان از توابع خولانی شمالی واقع در جنوب شرقی صنعا، به دنیا آمد. نسب خاندانش به قبایل یمنی قحطانی همدان بن مالک بن زید می‌رسد. (شوکانی، ۱۳۴۸ه، ۴۷۸/۲-۴۷۹) شوکانی یادآور می‌شود که جد مشهورش دعائم بن ابراهیم یکی از روسا و زعماء یمن در ثلث آخر قرن سوم هجری بوده که در خروج امام هادی یحیی بن حسین (م ۲۹۸ ق) از رس در حجاز به سوی یمن و تاسیس دولت ائمه زیدی نقش مهمی داشته است و برای نقش و جایگاه او در تاریخ یمن ارزش زیادی قائل شده‌اند. (العمری، ۱۴۰۵ه، ۲۰) غیر از جایگاه اجتماعی و رهبری و زعامت قبیله‌ای، این خاندان در منصب قضا نیز دارای جایگاه ویژه بوده‌اند. قاضی علی بن محمد بن عبدالله شوکانی (پدر شوکانی) اولین مدرس و معلم شوکانی بوده و شوکانی بعد از آنکه قرآن را نزد پدر آموخت، در محضر سایر اساتید و مشایخ قرآنی در صنعا به رسم و عادت عصرش، دوره نمود و بعد متن کتاب «الازهار» را حفظ

نمود و مختصرات عدیده ای را در فروع ادبیات و فقه و منطق و حدیث و غیر آنها مطالعه نموده و بسیار به مطالعه و تحقیق در تاریخ و مجامع ادبی علاقمند و مشغول بود. پس از این در محضر علمای کبار صنعا تلمذ نمود و همزمان با کسب علم از محضر اساتید، خود نیز به تدریس این دروس به همکلاسی ها و شاگردان دیگر می پرداخت گاهی اوقات در طول یک روز بیش از سیزده درس می گرفت و می داد. بعد از این بود که شروع به تالیف کرد و مشهورترین تالیفاتش (نیل الاوطار) را با راهنمایی عده ای از اساتیدش مثل علامه سید عبدالقادر بن احمد و علامه حسن بن اسماعیل مغربی تالیف نمود شوکانی به سرعت تالیف شرح آن را به پایان برد و آن را به شاگردانش تدریس نمود و تقلید را ترک کرد و به اجتهاد به رای مطلق روی آورد بدون هیچ قیدی در حالی که او هنوز سی سالش نشده بود». (همو، ۲/۲۱۸)

۵-۱- اساتید و شاگردان شوکانی

بیشتر علما از اساتید شوکانی بودند. مهمترین ایشان عبارتند از: علامه محمد بن حرازی، عبدالقادر بن احمد، حسن بن اسماعیل مغربی (شوکانی، بی تا، ۱۷) در بدرالطالع به تفصیل مدت شاگردی و دروسی که از ایشان آموخته است را به تفصیل بیان کرده است. (همو، ۲/۲۲۵، ۱۳۴۸) شوکانی در مورد اساتید و شاگردان خود کتابی به نام «الاعلام بالمشایخ الاعلام و التلامیذ الکرام» نوشته و شرح حال برخی از آنان را در کتاب «بدرالطالع» خود آورده است. که از جمله آنها می توان به افراد ذیل اشاره کرد:

پسرش علی بن محمد بن علی شوکانی (۱۲۱۷-۱۲۵۰ه) برادرش یحیی بن علی بن محمد شوکانی (۱۲۶۷-۱۱۹۰ه) علامه عبدالرحمن بن احمد ضمدی صبیانی (۱۱۸۰-۱۲۲۷ه) سید عبدالله بن عیسی کوکبانی (۱۱۷۵-۱۲۲۴ه) احمد بن عبدالله ضمدی (۱۱۷۰-۱۲۱۲ه) محمد بن علی بن حسین عمرانی (۱۲۶۴-۱۱۹۴ه) محمد بن احمد بن سعد السودی الصنعانی (۱۱۷۸-۱۲۳۶ه) علامه محمد حسن شجنی ذماری (۱۲۰۰-۱۲۸۶ه) محمد بن محمد زبارة حسینی صاحب نیل الوطر (ت ۱۳۸۱ه) فقیه لطف الله بن احمد بن لطف الله جحاف (۱۱۸۹-۱۲۳۴ه) (شوکانی، ۱۳۴۸، ۲/۶۰-۷۱ و محمد زبارة، ۱۳۴۸، ۲/۱۸۹-۱۹۱)

۵-۲- تالیفات محمد بن علی شوکانی

شوکانی نویسنده ای پر تالیف و پرتلاش است که علی رغم اشتغالش به امور وزارت و مسئولیت های سنگین قضایی و سیاسی و نیز تدریس و افتاء، دست از تحقیق و پژوهش برنداشته و حتی یک روز هم نوشتن را رها ننموده است. (شوکانی، ۱۳۴۸، ۱/۴۲۰)

شوکانی کتابهایش را با اهداف خاصی تالیف می نمود تا بتواند از این راه مشکلات و امراض فرهنگی و دینی کشور خود را معالجه نماید یا اینکه به روشنگری در زمینه علوم شرعیه بپردازد و جلوی تعصب و جهالت را بگیرد. شوکانی خود در این باره می گوید: «در حقیقت تصنیفی که بتوان به آن تصنیف گفت یا تالیفی که شایسته اهل علم باشد... این است که در آن بتوان حق را یاری نموده و باطل را نابود کرد. و نیز بتوان با حجتها و براهینش ارکان بدعتها را منهدم ساخته و طنابهای تعصب را پاره نمود و هرآنچه که از بینات و هدایتها را که برای بشر نازل شده است، تبیین نمود و مردم را به سوی انصاف ارشاد و راهنمایی کرد و عمل به کتاب و سنت را در قلبهای آنها محبوب نموده و از تبعیت و تقلید ایشان را منزجر نمود... و در این راه نباید شیطان او را فریب دهد که این نوشته مورد قبول مقلدین قرار نمی گیرد یا اینکه منجر به فتنه در جامعه شده یا ضرر و زیانی را در پی خواهد داشت یا اینکه جاه و مال و مقام شخص را از بین می برد... چرا که خداوند ناصر و یاور دینش است و نورش را کامل می کند و شریعتش را حفظ می نماید و یاری کنندگان دین خود را یاری می کند و برای اهل حق و دعوت کنندگان به شریعت، سلطان و نصرت قرار می دهد هر چند در سرزمینی باشند که اهلش در بدعتها غرق شده و در ضلالت و گمراهی تام باشند» (شوکانی، بی تا، ۱۰۶-۱۰۷)

شوکانی تالیفات خود را با بزرگی و عزت یاد می کند او در کتاب البدر الطالع تعداد تالیفات خود را ۹۹ اثر ذکر می کند (شوکانی، ۱۳۴۸ هـ، ۲/۲۱۹-۲۲۳) دکتر عبدالغنی قاسم غالب الشرجی نویسنده کتاب «الامام الشوکانی حیات و فکرة» تعداد آثار را ۲۷۸ عنوان می داند که ۷۰ عنوان از آنها هنوز چاپ نشده و به صورت خطی در کتابخانه های مرجع در یمن نگهداری می شوند. ایشان اسامی این کتابها را در کتاب خود به تفصیل ذکر نموده است. (عبدالغنی قاسم، بی تا، ۱۹۴-۲۲۹)

آثار چاپ شده: اتهاف الاکابر باسناد الدفاتر، ادب الطلب و منتهی الارب، ارشاد النقات الی اتقان الشرايع علی التوحيد و المعاد و النبوات، ارشاد السائل الی دلائل المسائل، ارشاد الفحول الی تحقیق الحق من علم الاصول، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، تحفه الذاکرین بعدة الحصن الحصین من کلام سید المرسلین، التحف فی مذاهب السلف، تنبیه الافاضل علی ما ورد فی زیاره العمرو نقصه من الدلائل، الدراری المضيئه فی شرح الدرر البهیه، در السحابه فی مناقب القرابه و الصحابه، الدر النضید فی اخلاص کلمه التوحید، السیل الجرار المتدفق علی حدائق الازهار، شرح الصدور فی تحریم رفع القبور، العقد الثمین فی اثبات وصایه امیرالمومنین علی بن ابیطالب (علیه السلام)، فتح القدير الجامع بین فنی الروایه و الدرایه فی علم التفسیر، الفوائد المجموعه فی الاحادیث

الموضوعه، قطر الولی علی حدیث الولی، القول المفید فی ادله الاجتهاد و التقليد، نیل الاوطار فی شرح المنتقی الاخبار (همان)

غیر از این کتابها مجموعه ای از کتب خطی شوکانی وجود دارند که هنوز به صورت مستقل به چاپ نرسیده اند از جمله:

ارشاد الغیبی الی مذهب اهل البیت فی صحب النبی (صلی الله علیه و آله و سلم)، افاده السائل فی عشر مسائل، ایضاح القول فی اثبات العول، بحث فی مواخاۃ النبی (ص) بین الصحابه بحث فی موده اخوان السوء، التوضیح فی ماجاء فی المهدی المنتظر و الدجال و المسیح، رساله فی لحوق ثواب قراءه المهداه من الاحیاء الی الاموات، الصوارم الحداد القاطعه لعلائق ارباب الاتحاد این رساله در رد متصوفه نوشته شده است.

البته شایان ذکر است دکتر ابومصعب محمد صبحی حسن الحلاق مجموعه رسائل و آثار پراکنده شوکانی را در کتاب «الفتح الباری من فتاوی الامام الشوکانی» جمع آوری نموده و این کتاب توسط انتشارات مکتبه الجیل جدید در صنعا یمن در سال ۱۴۲۲ ه.ق به چاپ رسیده است.

۷- آشنایی با تفسیر شوکانی و شیوه مؤلف در آن

تفسیر فتح القدیر یکی از منابع اصلی تفسیر در میان اهل سنت به حساب می آید زیرا دربردارنده تفسیر روایی و تفسیر فنی درایه ای است.

محمد حسین ذهبی در کتاب التفسیر و المفسرون درباره شیوه تفسیری شوکانی می نویسد: «وی آیات را ذکر می کند سپس آن ها را به گونه ای مقبول و معقول تفسیر می نماید سپس بعد از فراغت از آن روایات تفسیری که از سلف وارد شده است را نقل می کند درحالی که از افرادی که از اصحاب کتب تفسیری به شمار می آیند بسیار نقل قول می کند. مناسبات میان آیات را ذکر می کند و بسیار به لغت اهتمام دارد و به کلام بزرگان لغت همچون مبرد، ابی عبیده فراء اشاره می کند... همان طور که گاهی به قرائت های سبعة نیز اشاره دارد و این کار او را از اینکه در هر مناسبت به دیدگاه علمای مذاهب فقهی پردازد باز نمی دارد و اختلاف نظر ایشان را با ادله ذکر می کند و بین ادله آنچه را که مرجح و ظاهر است را برگزیده و با آزاداندیشی وسیعی به استنباط می پردازد زیرا او خود را مجتهدی می بیند که چیزی از سایر مجتهدین کم ندارد». (ذهب، بی تا، ۲/۲۸۸)

۱-۶- ویژگی های تفسیر شوکانی

۱-۱-۶- تقدم قواعد لغوی و لفظی بر اقوال و اجتهادات صحابه و تابعین

به عقیده شوکانی بسیاری از اختلافات و التباسات میان علما و نیز عامه مردم از عدم توجه به معانی الفاظ و عبارات و عدم درک محل نزاع، نشات می گیرد. به همین دلیل وی در اکثر مباحث

خود خصوصاً در تفسیر آیات، اهتمام ویژه ای به بحث از معانی داشته و علم لغت را ابزار مفیدی برای تعلیم و تعلم می‌داند. وی همچنین معتقد است که در جایی که با دقت ادبی و با مراجعه به فنون علم لغت می‌توان به پاسخ رسید جایی برای مراجعه به اقوال صحابه و تابعین وجود ندارد. شوکانی، ۱۴۲۲هـ/۳۰۷/۱) وی دلیل این امر را، نزول قرآن به زبان عربی مبین می‌داند و معتقد است که باید بر اساس مقتضای قواعد زبان عربی و بر حسب اقتضائات علوم زبان عربی که اندیشمندان ثقه آن را مدون نموده و افراد عادل آن را نقل کرده‌اند، عمل نمود و هرگز این کار به معنای تفسیر به رای منهی عنه نخواهد بود. بلکه به فرموده علی بن ابیطالب (علیه السلام) حاصل قدرت فهمی است که خداوند به فرد اعطاء نموده است و هرگز در اینگونه موارد لزومی به مراجعه به فهم سلف نیست و لغت عربی و علوم مدونه وابسته به آن کفایت می‌نماید. (همو، ۱۴۱۳هـ/۱۹۴/۱)

۲-۱-۶- ترجیح عموم حدیث بر عموم قرآن

شوکانی در بحث از عمومات، معتقد است عموم احادیث بر عموم قرآن ترجیح داده می‌شود، وی در استدلال بر این سخن، مسئله تعارض میان عموم آیه «فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ» (غافر: ۸۴) و عموم احادیثی مرتبط که در این باب وارد شده‌اند را ذکر کرده و می‌گوید: «این احادیث دلالت دارند بر اینکه اسلام کسی که به هنگام رؤیت شمشیر و از ترس مرگ کلمه شهادتین را به زبان جاری ساخته است معتبر هست. و «بأس» مورد اشاره در آیه، حمل بر بأس از جانب خداوند است مثل قیامت، خسوف، صاعقه‌ها و امثال آن.» (شوکانی، ۱۴۲۲هـ/۴۹۷۶/۱۰)

۳-۱-۶- محور قرار دادن روایات در تفسیر

کاربست روایات در منظومه فکری شوکانی همچون سایر سلفیان، جایگاه ویژه ای دارد. وی در تفسیر هر آیه بعد از اشاره به معانی مفردات آیه و بحث صرفی و نحوی که در فهم مراد آیه اثر گذار باشد، روایات ماثور از سلف را بیان می‌دارد و اگر بحثی در باب این روایات داشته باشد حتماً ذکر می‌کند.

۴-۱-۶- تعصب در عقاید

تفسیر شوکانی بسیار متأثر از آرای اعتقادی اوست. به عنوان نمونه در مساله نکوهش تقلید که یکی از اصول فکری سلفیه است، در هرکجا مناسبتی یافته به نکوهش تقلید و مقلدان پرداخته و معتقد است مقلدان با تقلید از دیگران، کتاب خدا و سنت رسولش را ترک می‌کنند؛ مانند ذیل آیه ۱۷۰ سوره بقره. خصوصاً ذیل آیه ۳۱ سوره توبه و آیه ۲۸ سوره اعراف. (شوکانی، ۱۴۱۳هـ/۱۹۳/۱)

شوکانی در تفسیر خود با «توسل» به انبیاء و اولیاء سخت به معارضه برمی‌خیزد و معتقد است که چنین توسلی روا نیست مانند آیه ۴۹ سوره یونس و از آن روی که در عقیده، سلفی است، متشابهات قرآن را بر ظاهر حمل می‌کند و به تاویل و توجیه نمی‌پردازد و با معتزله سخت مخالف است که با عنایت به مباحث پیش‌گفته با داشتن چنین عقایدی از مذهب زیدیه بسیار فاصله می‌گیرد؛ (همان، ۱۰۳/۱)

۵-۱-۶- بیان فضیلت و وجه تسمیه سوره

در ابتدای هر سوره نیز پس از ذکر نام آن به وجه تسمیه اسامی سوره می‌پردازد، سپس بحث مکی و مدنی بودن آن را با استدلال بر هر دیدگاه متعرض گشته، اسباب نزول آن را بیان می‌دارد. فضل سوره‌ها را با نقل روایاتی از بخاری، احمد، ابو داود و نسایی بازگو می‌کند. ایشان در برخی موارد بعد از نقل روایت به تحلیل آن پرداخته از تفاسیری نظیر طبری مطالبی نقل می‌نماید .

۶-۱-۶- دقت در اسناد روایت

در اسناد روایت نیز دقت داشته معمولاً به ضعیف یا حسن سند، اشاره دارد. هرچند که خود اعتراف نموده است که گاهی هم اگر محتوای روایت موجب تقویت بحث نبوده یا باقواعد زبان عربی مطابقت داشته است، حتی اگر ضعیفی در سند روایت بوده باشد، نادیده گرفته است و یا اگر در منابعی چون تفسیر قرطبی، سیوطی، ابن جریر و ابن کثیر آمده باشد حتی اگر ضعف سندی داشته باشد نسبت بدان بی توجهی نموده است چرا که به این افراد اعتماد واثق داشته است. (همان، ۲۹۸/۱)

۷-۱-۶- بیان فضائل اهل بیت

شوکانی از آنجایی که شیعه زیدی است، از کنار آیاتی که در شان حضرت علی (علیه‌السلام) نازل شده به راحتی نمی‌گذرد و نسبت به روایاتی که آن آیات را در شان حضرت تفسیر می‌کند، روش کتمان را در پیش نمی‌گیرد و با اینکه در تفسیر برخی، آیات را به شکل عام معنا می‌کند اما با ذکر روایت، مراد اصلی آیه را تبیین می‌نماید؛ مانند آیه ۵۵ و ۶۷ سوره مائده. (ذهبی، بی تا، ۲/۲۸۸) وی در تفسیر آیه ۵۵ سوره مائده «انما ولیکم الله ورسوله...» و آیه ۶۷ سوره مائده «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک...» روایاتی را که از زبان شیعه نقل شده است، نقل می‌کند بدون اینکه جرح و تعدیلی نسبت به این روایات داشته باشد هرچند که اقرار دارد که این چنین احادیثی صلاحیت استدلال بر امامت علی ندارند. (همان)

و در خصوص آیه دوم (۶۷ مائده) از ابی سعید خدری نقل می‌کند که: او می‌گوید: این آیه «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک...» روز غدیر خم در حق علی بن ابیطالب بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد و روایت می‌کند از ابن مسعود که گفت: ما در عهد رسول اکرم (صلی الله علیه

و آله و سلم) می‌خواندیم آیه « یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ » ای پیامبر آنچه را که از جانب خداوند بر تو نازل شده است را ابلاغ کن اینکه علی مولی و سرور مؤمنین است و اگر این کار را نکنی رسالت را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند در امان نگه می‌دارد. (شوکانی، ۱۴۱۳ه، ۷۷/۲)

۷- مبانی تفسیری علمای سلفی

مبانی تفسیر، اصول موضوعه و باورهای بنیادینی‌اند که تفسیر قرآن بر آن‌ها استوار است. این باورها و قضایا بر اصل امکان و جواز تفسیر یا کیفیت و روش و اصول و قواعد تفسیر اثرگذار بوده، به آن‌ها جهت می‌دهند. در واقع مبانی تفسیر، سبب چگونگی رویکرد مفسران در تفسیر و شکل‌گیری روش‌ها و احیاناً گرایش‌ها و اصول و قواعد تفسیری مفسران می‌گردد. وجود مبانی برای هر علمی امری لازم و مسلم است. از همین رو مفسران در طول تاریخ تفسیر، همواره براساس مبانی از پیش پذیرفته شده به تفسیر قرآن کریم پرداخته‌اند؛ اما طرح بحث درباره مبانی تفسیر به عنوان دانشی مستقل از آنجا پیدا شد که درباره برخی مبانی میان مفسران اختلاف نظر پدید آمد و در حالی که گروهی مبنا بودن قضیه ای را در تفسیر پذیرفتند، عده ای دیگر نفی آن قضیه را مبنا تفسیر خود قرار دادند.

ذیلا مهمترین ویژگی تفسیری مکتب سلفیه بیان شده و در ادامه دیدگاه شوکانی در خصوص این ویژگی‌ها و مبانی مطرح گردیده است.

۱-۷- ظاهرگرایی

یکی از مبانی نظری اندیشه‌های تفسیری سلفیه، تبعیت از ظاهر نصوص قرآن و سنت و مخالفت با هر گونه تأویل، به‌ویژه تأویل عقلی است. در نظام فکری اسلام، اعتماد بر ظاهر قرآن و سنت به صورت منضبط و قاعده مند، نه‌تنها مردود نبوده، بلکه حجم زیادی از تفاسیر فریقین، به ظواهر آیات مربوط می‌شود و اساسا بحث حجیت ظواهر در حوزه دانشی اصول فقه نیز برای نیل به همین منظور پایه گذاری شده است. ابن تیمیه در مقابله با عقل‌گرایی، در تمام حوزه‌های الهیات اعم از احکام، اخلاق و عقاید، نقل‌گرایی را پذیرفت و صرفا رجوع به کتاب و سنت را مشروع قلمداد کرد. بالتبع این مساله در نظام فکری وی و پیروانش، منجر به سلف‌گرایی و گذشته‌گرایی افراطی گردید به نحوی که به جای توجه به زمان و مکان اجتهاد، راه را برای جمود بر ظواهر به صورت خودکار باز کرد.

سلفیه در فهم قرآن فقط به ظاهر آن یعنی ظواهر الفاظ و لغات توجه می‌کند حتی اگر مستلزم

معنای خلاف عقل باشد. ظاهرگرایی به این معنا دارای دو نتیجه اصلی است: رد تأویل‌گرایی و انکار مجاز در قرآن؛

بدیهی است که قبول یا انکار مجاز و تاویل، در تفسیر آیات قرآن بسیار تأثیرگذار است. به طوری که در صورت انکار معانی مجازی و موول در آیات قرآن، عقاید باطل و انحرافی در عرصه عمل و نظر به وجود آمده و در زمینه صفات الهی موجب تشبیه و تجسیم خداوند می‌گردد.

سلفیه افراطی، به‌ویژه بنیان‌گذار نظری آن، ابن تیمیه و شاگردش ابن‌قیم، با انکار تأویل، راه را برای پذیرش مجاز در قرآن بر خود بسته‌اند. زیرا تأویل در حقیقت، حمل لفظ بر معنای مجازی است؛ به همین دلیل این دو و پیروان آنها در رد و انکار مجاز در قرآن سنگ تمام گذاشته‌اند؛ تا آنجا که ابن‌قیم مجاز را طاغوت سومی در کنار تأویل_ نخستین طاغوت_ قرار داده که به ادعای وی برخی آن دو را برای تعطیل و نفی اسماء و صفات خداوند وضع کرده‌اند. (ابن‌قیم، ۱۴۰۵ هـ، ۲۷۱) و همین شیوه را مفسران سلفی معاصر نیز به قوت ادامه دادند. برخی از منکران مجاز به طور کلی مجاز در لغت را نپذیرفته‌اند و بعضی دیگر به رغم پذیرش مجاز در لغت، منکر وقوع آن در قرآن هستند. بیشتر قائلان این قول، سلفیه افراطی هستند. (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ هـ، ۱۱۳/۷)

این روش حاصل جمود فکری و برداشتهای سطحی از معارف قرآن کریم است. این جریان از یک سو به جای آنکه معیار رسیدن به حق را وحی قرار دهد، حدیث را ملاک فهم وحی قرار داده و هرچه را از حدیث بدست می‌آورد، برقرآن تحمیل می‌کند و از سوی دیگر با محدود کردن فهم قرآن به کشف معانی لغات، راه فهم آیات کلام الهی را می‌بندد. زیرا چنین فهمی، قرآن را از لحاظ زمانی و مکانی محدود می‌نماید و نتیجه اش جمود فکری در مسائل عقیدتی، سیاسی، عبادی و اجتماعی خواهد بود که از یک سو بی توجهی به مصالح جامعه و مسائل و احکام جدید و از سوی دیگر رواج رفتارهای خشونت آمیز و تشدید حکم از طرف معتقدان به سلفی‌گری را در پی خواهد داشت. و همین امر در آینده چالشهای بزرگی را برای جهان اسلام ایجاد خواهد کرد.

۲-۷- رد و انکار تاویل

فهم و برداشت از قرآن کریم، در طول تاریخ تفسیر، گرفتار دو رویکرد انحرافی بوده است: اول، تأویل‌گرایی بی‌ضابطه و دیگری ظاهرگرایی افراطی. در این میان، نفی تأویل ضابطه‌مند و عقلایی، همواره ناشی از نگرش ظاهرگرایی بوده است. (اله بداشتی، ۱۳۸۸، ۸۵)

همانگونه که بیان شد یکی از آموزه‌های مهم سلفیه که از نتایج روش شناسی ظاهرگرایی است، رد تاویل و تفسیر است. به اعتقاد ایشان اگر باب تاویل و تفسیر را باز کنیم، اساس دین از بین می‌رود « لو فتحنا باب التاویل ، لانهدم الدین» آنان معتقدند به دلیل اینکه اولاً قرآن به زبان عربی مبین

نازل شده است و ثابثا خداوند در مقام بیان بوده است و نیز چون قرآن برای هدایت و سعادت نازل شده است، باید ظاهر نصوص قرآن را اخذ کرده و از باطن و تاویل آیات دوری کرد چراکه براین اساس برای کنار گذاشتن ظاهر آنها دلیلی وجود نخواهد داشت بالاخص در باب اسماء و صفات الهی و معاد حتما باید به ظاهر الفاظ تمسک کرد چون در این دو موضوع، نه عقل و نه شهود راهی برای رسیدن به حقیقت ندارند (ذهبی، بی تا، ۱/۱۸۳)

این نوع نگاه به مسائل قرآنی، باعث می شود که بسیاری از آیات را با توجه به معنای ظاهری تفسیر کنند این آموزه در زمینه صفات الهی موجب تشبیه و تجسیم الهی شده است. جمود بر ظواهر و تدبر نکردن در آیات موجب می شود معانی عمیق دین را بر معانی ظاهری و محسوس و مادی آن حمل کنند برای مثال در آیات مجی و ید این روش یعنی اخذ ظواهر باعث انکار تعلیل و تاویل احکام توسط عقل و ایجاد نوعی بدبینی و رواج عقاید باطل در میان مسلمانان از قبیل تجسیم شده است. رد تاویل و تفسیر قرآن در سلفیه باعث شده است که با هرگونه تفسیر قرآن مخالف باشند «برای هیچ کس تفسیر قرآن مطلقا جایز نیستاگرچه دانشمندی ادیب باشد و اطلاعاتی گسترده در ادله فقه و نحو و اخبار و آثار داشته باشد و فقط به روایات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و صحابه و تابعین استناد جوید» (المطعنی، ۱۶/۱، ۷/۱)

۳-۷- انکار مجاز در قرآن

سلفیه به نبود مجاز در قرآن باور دارند و معتقدند هر کلمه ای که در قرآن آمده است، معنای حقیقی اش اراده شده است. کسانی مانند ابن تیمیه در مجموع الفتاوی و ابن قیم در الصواعق المرسله و معاصرانی مانند شتیطی در منع جواز المجاز به این باور اشاره داشته اند. (علیزاده، ۱۳۹۸ش، ۶۲) به عقیده سلفیه ورود مجاز در عرصه توحید منجر به پیامدهای خطرناکی همچون باطن گرایی و تاویل می شود چرا که مساله مجاز یک مساله لغوی و بلاغی است لذا ابن تیمیه و اتباعش به این مبحث ورود کرده و به شدت منکر آن شده اند. (المطعنی، ۱۶/۱، ۷/۱)

۸- ظاهرگرایی در اندیشه های تفسیری شوکانی

۱-۸- تاویل در اندیشه شوکانی

شوکانی در کتاب ارشاد الفحول الی تحقیق الحق من علم الاصول می گوید: «تاویل به سه نوع تقسیم می شود: گاهی تاویل قریب است و با نزدیکترین مرجحی ترجیح داده می شود. گاهی تاویل بعید است و جز با مرجح و آن هم از نوع قوی آن، قابل ترجیح نیست و قسم سوم تاول متعذر است که لفظ آن را نمی پذیرد و این نوع از تاویل مردود و غیر مقبول است» (شوکانی، ۱۵۶، ۱۶۲۴هـ، ۱۵۶)

به عقیده شوکانی تاویل صحیح سه شرط دارد که عبارتند از:
اول اینکه موافق وضع لغت و استعمال عرفی یا عادت صاحب شرع باشد « و هر تاویلی که این شرط را نداشته باشد، تاویل صحیح نیست» (همان)
دوم اینکه دلیلی اقامه شود مبنی بر اینکه مراد از آن لفظ همان معنایی است که بدان حمل شده است هرچند که در آن زیاد استعمال نمی شود.
سوم اینکه اگر تاویل به قیاس بود حتما می بایست جلی و آشکار باشد نه خفی و پنهان و گفته شده است که از جمله موضوعاتی باشد که تخصیصش با ماتقدم خود جایز باشد. (همان)
قسم دوم از موضوعاتی که در آن تاویل صورت گرفته است، در مساله اصول عقاید است. به عقیده شوکانی در مساله تاویلات اصول عقاید سه مذهب وجود دارد؛
مذهب اول: هیچ راهی برای تأویل آنها وجود ندارد بلکه بر ظاهرش حمل می شود و هیچ چیز از آن تأویل نمی شود و این دیدگاه مشبهه است.
مذهب دوم: آنچه برای آن تأویل وجود دارد اما از آن امساک می کنیم با تنزیه اعتقادمان از تشبیه و تعطیل به دلیل سخن خداوند که فرمود «لا یعلم تاویله الا الله» (ال عمران/۷) و این قول سلفیه است.

شوکانی معتقد است این همان راه واضح و منهجی است که می توان در آن قدم گذاشت و با سلامت از وقوع در پرتگاه های تأویل که فقط خداوند از آن آگاه است گذر کرد و سلف صالح برای کسی که به دنبال مقتداست، بهترین مقتداست و بهترین اسوه برای کسی که به دنبال اسوه و الگو می گردد. بنا بر تقدیر عدم ورود دلیل قاضی بر منع از آن، چگونه است که در کتاب و سنت موجود است.

مذهب سوم: مووله هستند. ابن برهان می گوید: اولین مذهب که باطل است و دوتای دیگر که از صحابه نقل شده اند و گفته اند که مذهب سوم از علی و ابن مسعود و ابن عباس و ام سلمه نقل شده است. (شوکانی، ۱۴۲۲، ۹۹-۹۷؛ همو، ۱۴۲۴، ۱۵۶، ۱۴۲۴؛ همو، ۱۹۸۴، م، ۹-۱۰)

۲-۸- تاویلات شوکانی

شوکانی در برخی از کتب خود از جمله در تفسیر فتح القدر دست به تاویل برخی از آیات قرآنی زده است ولی در برخی دیگر از آثار خود از جمله التحف فی مذاهب السلف تا حدودی برخی از این عقاید را رد می کند.

اینک به نمونه هایی از تاویلات شوکانی اشاره می کنیم:

الف) تاویل «لما خلقت بیدی» در آیه «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي» (ص/۷۵) به «آنچه که مسئولیت آفرینش آن را بدون واسطه، خود بر عهده گرفته ام». (شوکانی، ۱۴۱۳ هـ، ۶۲۵/۴-۶۲۴)

ب) تاویل «صعود کلام و عمل طیب» در آیه «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر/۱۰) به قبول آنها از طرف خداوند. (همان، ۴۷۹)

ج) تاویل «وَأَصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِّينَا» (هود/۳۷) به ساختن کشتی تحت حفظ و حراست الهی. چرا که چشم را آلت دیدن است و حراست و حفاظت با آن محقق می شود. (همان، ۶۹۴/۲)

د) تاویل «جَاءَ رَبُّكَ» به آمدن امر و قضای الهی و نیز ظهور آیات الهی. (همان، ۶۳۲/۵).
ه) تاویل یمین در آیه «وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ» (زمر/۶۷) به کمال قدرت و مالکیت. (همان، ۶۶۷/۴-۶۶۶)

و) تاویل «وَأَصْطَفَيْتَ لِنَفْسِي» (طه/۴۱) به اراده انتخاب فرد مورد نظر برای وحی و رسالت الهی جهت انجام اوامر الهی (همان، ۵۱۸/۳)

ز) تاویل نفس در آیه «وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ» (آل عمران/۲۸) به ذات مقدس الهی. (همان، ۴۹۴/۱)
ح) تاویل معیت در آیه «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» (حدید/۴) به قدرت، سلطنت و علم نامحدود الهی. (همان، ۲۳۷/۵)

ط) تاویل قرائت در آیه «فَإِذَا قَرَأَهُ» (قیامت/۱۸) به اتمام قرائت قرآن برای پیامبر توسط فرشته وحی جبرئیل. (همان، ۴۸۱/۵)

ظ) تاویل نسیان در آیه «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ» (توبه/۶۷) وانهادن و بی نصیب نمودن از ثواب و کرامت توسط خداوند. (همان، ۵۳۳/۲)

ع) تاویل کوری در آیه «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى» (اسراء/۷۲) به فقدان بصیرت. (همان، ۳۴۹/۳)
غ) تاویل مکر الهی در آیه «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران/۵۴) به عذاب ناگهانی خداوند در حق بندگان از جایی که گمان نمی برند. (همان، ۵۱۲/۱)

ن) تاویل استوی در آیه «ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ» (رعد/۳) به استیلا و حفظ و تدبیر (همان ۶۳/۱)
و) تاویل ید در آیه «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ» (ملک/۱) به قدرت و استیلا الهی در ملک و ملکوت و در دنیا و آخرت. (همان، ۳۶۷/۵)

ه) تاویل وجه در آیه «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (رحمن/۲۷) به ذات الهی و بقای وجه الهی به معنی بقای محبت و تقرب الهی. (همان، ۱۹۳/۵)

ی) تاویل وجه در آیه «فَأَيُّهَا تُولُوا فَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» (بقره/ ۱۱۵) به قبله (همان، ۱۹۶/۱)

۳-۸- نقد سلفیان بر تاویل از دیدگاه شوکانی

برخی از اندیشمندان سلفی معاصر که بر آثار شوکانی تحقیقاتی داشته و تعلیقاتی نگاشته اند معتقدند که شوکانی در همه کتبش بر منهج سلفی سلوک ننموده است. بلکه بسیاری از صفات خبری را در خلال تفسیر آیات صفات، تاویل نموده است و این دلیل بر اضطراب عقیده شوکانی دارد. عبدالله نسوک دلیل این مساله را در این می دانند که آثاری که در اوایل عمر شوکانی به رشته تحریر درآمده به دلیل اینکه وی متأثر از اندیشه های زیدیه بوده از مکتب سلفیه فاصله گرفته است اما آثاری که در اواخر عمر شوکانی نوشته شده اند، به دلیل تمحّض یافتن اندیشه های وی، به مکتب سلفیه نزدیکتر است. لذا اندیشه های سلفی شوکانی را باید در آخرین نگاشته هایش جستجو کرد. وی می گوید: « به عنوان نمونه کتاب التحف در سال ۱۲۲۸ ه.ق و قبل از فراغت شوکانی از تالیف فتح القدر به سال ۱۲۲۹ ه.ق نگاشته شده است و شاید شوکانی در این موقعیت اطلاع کافی و وافی از کتب سلفیه خصوصا کتابهای ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم نداشته است چرا که اگر مطلع می بود در این اضطراب نمی افتاد این عدم اطلاع و اشراف بر کتب ابن تیمیه و ابن قیم دردو اثر مهم شوکانی (التحف و تفسیر القدر) مشهور است و من ندیدم که در جایی از این دو کتاب به آنها ارجاعی داده باشد برخلاف سایر آثارش خصوصا در بحث توحید در الوهیت»^۲. (نوسوک، ۱۴۱۴ه، ۳۷۷)

نویسنده کتاب «منهج الامام شوکانی فی العقیده» همچنین در ذیل بحث «شبهه تتعلق بما فی التحف من عقیده» شبهه ای را در خصوص مفوضه بودن شوکانی مطرح نموده و پاسخ می دهد (همان، ۳۷۰) عده ای از عبارات شوکانی در کتاب التحف فی مذاهب السلف، گمان کرده اند که او مفوضه است. شوکانی در این کتاب عبارت «ادله صفات بر ظاهرشان حمل می شوند» (شوکانی، ۱۴۱۵ه، ۴) و نیز عبارت «... ادله صفات را بر ظاهرشان حمل می کنند و خود را در آنچه نمی دانند، به سختی و مشقت نمی اندازند و تاویل نمی کنند» (همان) و عبارت «مذهب حق در خصوص صفات همان حملشان بر ظاهر است بدون تاویل، تحریف، تسعیف و تسعّف، جبر، تشبیه و تعطیل» (همان، ۸) و نیز در تفسیر آیه استوای می گوید «سلامت و نجات در این است که بر ظاهر حمل شود و اذعان به

۳. وی در کتاب الدر النضید فی اخلاص کلمه التوحید (ص ۶۷۴-۷۷) و در الصوارم الحداد القاطعه لعلائق مقالات ارباب الاتحاد که در عنوان جوانی آن را نوشته است (۶۷، ۱۳، ۱۴) از ابن تیمیه نقل قول نموده است و در کتاب های الدر النضید (ص ۶۸-۷۴) و قطر الولی علی حدیث الولی (ص ۳۲۷) از ابن قیم نقل قول نموده است.

۲. تعسّف: خودرایی

اینکه استوای و کون همان‌گونه است که کتاب و سنت بدان نطق نموده‌اند بدون تکلیف و تکلف و قیل و قال» (همان، ۱۲) و مواردی که او به فهم معانی صفات تصریح نموده است.

۹- ارزیابی و نتیجه

فتح‌القدیرالجامع بین فنی الروایه و الدرایه من علم التفسیر، نوشته امام محمد علی شوکانی از جمله تفاسیر بسیار معتبر اهل سنت بوده که ویژگی‌های بارز آن عبارتند از تقدم قواعد لغوی و لفظی بر اقوال و اجتهادات صحابه و تابعین، ترجیح عموم حدیث بر عموم قرآن، محوریت احادیث در تفسیر، دقت در اسناد روایات، تعصب در عقاید و بیان فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) در تفسیر آیات مربوطه. همین ویژگی‌ها باعث شده است تا علی‌رقم اثرگرایی تفسیر شوکانی و تاثیر پذیری فراوان وی در تفسیرش از آراء متقدمین اهل حدیث، آزاداندیشی و استقلال فکری خود را حفظ نموده و نظرات بعضاً متفاوتی با آراء اهل سنت و نیز معتزله ارائه دهد.

در بحث از مبانی تفسیری وجه به دو مقوله مهم ظاهرگرایی و تاویل بسیار اهمیت دارد. بزرگان سلفیه همچون ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم با ارائه تفسیری بسته از آیات قرآنی و با استناد به اصول تفسیری خود راه را بر تعامل با سایر مسلمین بسته و گرفتار جمود فکری شدند. یکی از مبانی نظری اندیشه‌های سلفیه افراطی، تبعیت از ظاهر نصوص قرآن و سنت و مخالفت با هر گونه تاویل، به‌ویژه تاویل عقلی‌کلامی، است. بر این اساس، مبنای سلف در آیات صفات، نفی تاویل است. ظاهرگرایی به معنای اکتفاکردن به ظاهر الفاظ در فهم متون و فراتر رفتن از حد دلالت‌های لفظی و لغوی است. مهمترین شاخصه ظاهرگرایی، توجه و بهره‌گیری از معنای ظاهری لفظ در برابر معنای غیر ظاهری و اصطلاحاً مؤول است. شاخصه دیگر ظاهرگرایی سلفیه در فهم قرآن، انکار وجود مجاز و تشبیه در قرآن بوده است. بدیهی است که قبول یا انکار مجاز و تشبیه در قرآن، در تفسیر آیات قرآن بسیار تأثیرگذار است.

به عقیده شوکانی تاویل صحیح سه شرط دارد که عبارتند از:

اول اینکه موافق وضع لغت و استعمال عرفی یا عادت صاحب شرع باشد «و هر تاویلی که این شرط را نداشته باشد، تاویل صحیح نیست»

دوم اینکه دلیلی اقامه شود مبنی بر اینکه مراد از آن لفظ همان معنایی است که بدان حمل شده است هرچند که در آن زیاد استعمال نمی‌شود.

سوم اینکه اگر تاویل به قیاس بود حتماً می‌بایست جلی و آشکار باشد نه خفی و پنهان و گفته شده است که از جمله موضوعاتی باشد که تخصیصش با ماتقدم خود جایز باشد.

لذا شوکانی تاویل در آیات الهی را با این شروط پذیرفته و خود در بسیاری از آیات دست به تاویل زده است. در بررسی ظاهرگرایی در اندیشه های شوکانی، معلوم گردید که وی هرچند در وادی امر به دلیل گرایش شدید به کاریست احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و صحابه و تابعین، همچون سایر سلفیه در زمره ظاهرگرایان قرار می گیرد، ولی با شیوه ای که در پیش گرفته است از جمله پذیرش تاویل معقول در فهم برخی آیات الهی، پذیرش مجاز و تشبیه در قرآن، توجه به عقل در فهم دین، ضرورت ارزیابی سند و محتوای روایات، توجه به کارکردهای هدایتی دین و مفاهیم و حیانی، ضرورت مقابله با بدعتها در دین و انفتاح باب اجتهاد همگی دال بر این است که امام شوکانی برخلاف سلفیه افراطی در چاردرگم اندیشی نشده و مخالفان خود را از دایره اهل سنت خارج نمودند.

منابع

علاوه بر قرآن کریم

۱. ابن تیمیة الحرانی، تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم (۱۹۹۵م)، *مجموع الفتاوی*، عبد الرحمن بن محمد بن قاسم (محقق)، المدینة النبویة، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
۲. ابن قیم الجوزیه (۱۴۰۵هـ)، *مختصر الصواعق المرسله*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴هـ)، *معجم المقاییس اللغة*، هارون، عبدالسلام محمد (محقق)، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، چاپ اول.
۴. ابن منظور الأنصاری، محمد بن مکرم (۱۴۱۴هـ)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر - الطبعة الثالثة. اله بداشتی، علی (۱۳۸۸ش)، *شناخت سلفیه*، قم، نشر مشعر.
۵. حلمی، مصطفی (۱۹۷۱م)، *قواعد منهج السلفی فی الفكر الاسلامی*، قاهره دارالانصار.
۶. الشوکانی الیمنی، محمد بن علی بن محمد (۱۳۴۸هـ)، *البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع*، قاهره، مطبعة السعادة.
۷. شوکانی (بی تا)، *أدب الطلب ومنتهی الأرب*، القاهرة، مکتبة القرآن.
۸. شوکانی (۱۴۲۴هـ)، *ارشاد الفحول الی تحقیق من علم الاصول*، بیروت، دارالکتاب العربی.
۹. شوکانی (۱۴۲۲هـ)، *الفتح الربانی من فتاوی الإمام الشوکانی*، أبو مصعب «محمد صبحی» بن حسن حلاق (محقق)، صنعاء، مکتبة الجيل الجديد.
۱۰. شوکانی (بی تا)، *الرسائل السلفیه فی احیاء سنه خیر البریه*، بیروت، دارالکتاب العربی.
۱۱. شوکانی (۱۴۱۳هـ)، *فتح القدير الجامع بین فنی الروایة و الدرایة من علم التفسیر*، بیروت، دار التراث العربی.

١٢. شوکانی (١٤١٥هـ)، *التحفة فی مذاهب السلف*، علق علیه وخرج أحاديثه: محمد صبحی حسن حلاق، مكتبة ابن تيمية، القاهرة - مصر الطبعة الأولى.
١٣. درنيقه، محمد احمد (١٩٨٦م)، *السيد محمد رشيد رضا اصلاحات الاجتماعيه و الدينيه*، بيروت، موسسه الرساله، الطبعة الاولى.
١٤. الذهبي، محمد حسين (بي تا)، *التفسير والمفسرون*، القاهرة، مكتبه وهبه.
١٥. زباره، محمد (١٣٤٨هـ)، *نيل الوطر*، المطبعة السلفية .
١٦. عبدالغني قاسم غالب الشرجي (بي تا)، *الامام الشوكاني حياته و فكره*، صنعاء، مكتبه الجيل الجديد.
١٧. العمرى، حسين عبدالله (١٤٠٥هـ)، *مائة عام من تاريخ اليمن الحديث*، دمشق دارالفكر.
١٨. العثيمين، عبدالله (١٤١١هـ)، *بحوث و تعليقات في تاريخ المملكة العربية السعودية*، الرياض، مكتبه التوبه.
١٩. صابري حسين (١٣٨٧ش)، *سلفيه بدعت يا مذهب نقدي بر مباني وهابيت*، محمدسعيدر رمضان بوطنى، ناشر: بنياد پژوهشهای اسلامى آستان قدس رضوى .
٢٠. نومسوك، عبدالله (١٤١٤هـ)، *منهج الامام الشوكاني في العقيدة*، قاهره، مكتبه الدار القلم و الكتاب، طبعه الاولى .
٢١. المطعنى، عبدالعظيم (١٤١٦هـ)، *المجاز عند ابن تيميه و تلاميذه بين الانكار و الاقرار*، مكتبه وهبه الطبعة الأولى.